

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مواجهه با اینستاگرام و واتس آپ

در شرایط کنونی که حفظ امنیت ملی کشور، مسدودسازی اینستاگرام و واتس آپ را ایجاب نموده است، ۳ خطر عمده پیش روی مسئولین امر است که هر یک می‌تواند نتایج غیر قابل جبرانی را برای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به بار آورد:

- ۱- خطر تعریف نادرست مسئله (و در نتیجه طراحی پاسخ درست به یک مسئله غلط)
- ۲- خطر نزدیک بینی و در نتیجه غفلت از پیامدهای بلندمدت تصمیم (مانند غفلت از واکنش‌های بعدی دشمن)
- ۳- خطر تصمیم‌گیری شهودی و غیر مبتنی بر داده‌های میدانی

هسته سپهرا (خطمشی فضای مجازی) مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام، با استفاده از داده‌های ثبتی (ترافیک دیتا) و داده‌های اجتماعی (دو پیمایش ملی ایسپا در شهریور و آبان)، ابتدا مسئله را از شش بعد (امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی، حقوقی و فناوری) تحلیل نموده و با سناریوپردازی و سنجش ظرفیت‌های اجرایی هر سناریو، پیشنهاد «**فیلترینگ دائم اینستاگرام (پس از ۶ ماه محدودیت) و رفع فیلتر واتس آپ و یک پیام‌رسان خارجی دیگر به صورت هم‌زمان**» را ارائه می‌نماید. این پیشنهاد سیاستی، ریشه در دو اصل ذیل دارد:

۱- بر اساس استنباط در اندیشه مقام معظم رهبری ^{مدظله‌العالی} حول حکمرانی فضای مجازی می‌توان به‌عنوان یک اصل اشاره نمود که رویکرد مواجهه با فضای مجازی، رویکرد توأمان فرصت‌محور و تهدیدمحور است و دولت اسلامی موظف است نیازهای مردم در این فضا را تأمین نماید؛ اگر به هر دلیلی تأمین داخلی چنین امکاناتی و خدماتی میسر نباشد، دولت اسلامی می‌تواند تا نقطه درون‌زایی، از امکانات خارجی استفاده نماید، البته مشروط بر اینکه خدمات خارجی در اصل نظام دخالت و خدشه‌ای ننمایند. از این‌رو، شناسایی و محترم شمردن کارکردهای اصیل فناوری در اینستاگرام و واتس آپ، در عین مقابله و حذف کارکردهای مهاجم یک اصل است و اکنون که مسائل امنیت ملی منجر به مواجهه سلبی شده است، ضرورتاً بایستی مواجهه ایجابی و ارائه جایگزین‌های این خدمات (حداقل در بخشی از خدمات که موافق با حقوق اساسی دولت و ملت است) در دستور کار قرار گیرد.

۲- اگرچه مواجهه سلبی در شرایط جاری کشور برای کوتاه‌مدت ضروری است؛ اما تا زمانی که به دلایل کوتاه‌مدت صرفاً به دنبال «اشراف اطلاعاتی» هستیم، **ابتکار عمل** همواره در اختیار دشمنان باقی خواهد ماند و هر کاری کنیم از دشمن عقب‌تر خواهیم بود؛ زیرا اولاً همواره امکان مهاجرت به سایر پلتفرم‌های خارجی و اشراف‌گریزی وجود دارد و ثانیاً نسخه رضایت‌بخش برای مسئولین صرفاً مهاجرت مردم به هر پلتفرمی است که قدرت اشراف اطلاعاتی را تأمین کند و حال آنکه پلتفرم‌ها با **قدرت نظام‌سازی خود (قدرت زیست‌بوم‌سازی)** می‌توانند از درون، نظام‌های اجتماعی جمهوری اسلامی را تحت کنترل خود در آورده و استحاله نمایند.

جدول ذیل سه گروه از سناریوهای مواجهه با اینستاگرام و واتس آپ را نشان می‌دهد که از هفت مسیر قابل اجرا است:

سناریو	اینستاگرام	واتس آپ	خارجی جدید	داخلی
فیلتر هر دو پلتفرم اینستاگرام و واتس آپ و مهاجرت به دو پلتفرم داخلی	بسته	بسته	بسته	باز
بازگشایی مجدد اینستاگرام و واتس آپ در شرایط خاص	باز	باز	بسته	باز
فیلتر اینستاگرام (پس از ۶ ماه محدودیت) و بهره‌مندی از پیام‌رسان خارجی	بسته	باز	بسته	باز
	بسته	بسته	باز	باز
	بسته	بسته	بسته	باز
	بسته	باز	بسته	باز
	بسته	باز	باز	باز

دلایل راهبردی که موجب کنار گذاشتن سناریو اول و دوم و انتخاب سناریو سوم شده است به شرح ذیل است:

۱- با تکیه صرف بر نرم‌افزار داخلی (پیام‌رسان و شبکه اجتماعی) مخالفیم زیرا تا زمان رفع وابستگی قطعی کشور به سیستم‌عامل اندروید در تلفن‌های همراه، هرگونه سرمایه‌گذاری روی نرم‌افزارهایی که با این سیستم‌عامل کار می‌کنند، بدون جذب کاربران بین‌المللی به معنای انزوای کشور و ایجاد وابستگی و آسیب‌پذیری بیشتر در برابر دشمن است. در این صورت دشمن هزینه کمی برای حذف خدمات داخلی خواهد داد؛ در صورتی که اگر بخواهد یک نرم‌افزار بین‌المللی خارجی را حذف نماید، علاوه بر ملت ایران، سایر ملت‌ها را هم مقابل خود دارد. البته این به معنای نفی حمایت از شبکه‌های بومی نیست و مسیر حمایت از ایشان برای شکل‌گیری طبیعی زیست‌بوم داخلی بایستی به جد دنبال شود.

ضمناً ادعای امکان جلوگیری از حذف اندروید، به دلایل متعددی مردود است و کشور را به نقطه غیرقابل بازگشتی می‌رساند؛ حتی اگر فرض بگیریم این مقابله، موفقیت‌آمیز هم باشد منجر به حذف کامل خدمات گوگل از زیست‌بوم مجازی کشور می‌شود که این فرض در عمل اصلاً امکان‌پذیر نیست.

۲- موافق محدودسازی موقت و سپس مسدودسازی دائمی اینستاگرام هستیم؛ زیرا انقلاب اسلامی هنوز در خصوص کارکرد اصلی این شبکه اجتماعی یعنی معماری فرهنگی و اجتماعی آن پاسخی ندارد و تا زمان دستیابی به پاسخ ایجابی، لاجرم از مواجهه سلیبی است. به عبارت دیگر مسئله در اینستاگرام بیش از اینکه محتوای نامناسب باشد، قدرت «زیست‌بوم‌سازی» آن به‌ویژه در ابعاد فرهنگی و اجتماعی است. از یک سو در معماری فرهنگی‌اش، کاربران را به تبرج و اباحه‌گری و امیال و اوهام سوق می‌دهد و از سوی دیگر در معماری اجتماعی‌اش ساختاری سلبریتی‌ساز دارد و مردم را تابع خرده رهبرانی می‌کند که صلاحیتشان، صرفاً شهرتشان است. از این رو چنین معماری فرهنگی و اجتماعی که اینستاگرام در کشور رقم می‌زند با اصول قانون اساسی و انقلاب اسلامی مغایرت دارد و ما را به فیلتر دائم می‌رساند.

۳- مسدودسازی اینستاگرام، بایستی همراه با جایگزینی کارکردهای موجه آن باشد. بر خلاف معماری مهاجم فرهنگی و اجتماعی که اینستاگرام رقم زده است، کارکردهای اجتماعی موجه و بی‌نظیری مانند آموزش، توانمندسازی آحاد جامعه، اقتصاد

مردمی، کسب و کارهای خرد و خانگی و ... دارد که سیاست‌گذار ما نمی‌تواند از آن‌ها غفلت نمایند. مواردی مانند حقوق مالکیت اموال مجازی مردم، خسارت‌های مالی فیلترینگ در کسب مشروع مردم، بیکاری صدها هزار نفر زنان سرپرست خانوار که در معرض سایر آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند و ...

۴- رویکا یا هر شبکه اجتماعی کپی‌برداری شده از الگوی مفهومی اینستاگرام نمی‌تواند نسخه جایگزین باشد. زیرا اولاً مهاجرت از اینستاگرام به رویکا یا هر شبکه اجتماعی دیگری که با همان الگو و مدل مفهومی اینستاگرام طراحی شده است، صرفاً دغدغه «اشراف اطلاعاتی» و «مقابله حداقلی با محتوای نامناسب» را مرتفع می‌کند و اشکالات معماری فرهنگی و اجتماعی سر جایش باقی می‌ماند. ثانیاً بالاترین خسارت چنین جایگزینی، «فرصت‌سوزی مهاجرت» است؛ زیرا اگر اکنون مردم به مقصد ناقصی مانند رویکا مهاجرت کنند، فرصت و امکان مهاجرت به شبکه اجتماعی با الگوی مطلوب حداقل برای کوتاه‌مدت و میان‌مدت از دست خواهد رفت.

ضمناً در خصوص داده‌ها و آماری که در این روزها در خصوص رویکا ارائه می‌شود بایستی توجه نمود که اولاً این داده‌ها باید از سوی مرجعی که ذی‌نفع نیست اعتبارسنجی شود. ثانیاً رویکا در بخش پیام‌رسانی، شبکه اجتماعی و VOD، فعال است و بایستی داده‌های ترافیکی ناشی از فیلم را به‌عنوان اقبال اجتماعی مردم به این شبکه اجتماعی تلقی کرد، بلکه بایستی داده‌های ترافیکی هر بخش به تفکیک ارائه شود. ثالثاً ارائه داده‌های ترافیکی و تعداد کاربران فعال کافی نیست، اگر رویکا مدعی این است که می‌تواند زیست‌بوم جایگزین اینستاگرام شود بایستی داده‌های اجتماعی مانند اقبال مردم، تعداد کسب و کارهای مهاجرت کرده به بستر خود و ... را ارائه نماید.

۵- موافق انسداد دفعی اینستاگرام نیستیم و پیشنهاد محدودیت دسترسی (بستن نسخه نرم‌افزار گوشی همراه و باز بودن دسترسی نسخه وب یا دسکتاپ) را برای یک دوره حداکثر ۶ ماه داریم؛ زیرا شبکه‌های اجتماعی با به‌گرددش درآوردن اطلاعات، به تدریج زیست‌بوم می‌سازند؛ از این‌رو مهاجرت در یک شبکه اجتماعی، یعنی زیست‌بوم‌سازی در مقصد؛ پس اولاً انسداد دفعی یک زیست‌بوم، به معنای سلب حق حیات، آزادی و مالکیت اموال مجازی کاربران در آن شبکه اجتماعی است و این دوره ۶ ماهه برای مهاجرت شبکه تبلیغات، شبکه مشتریان و ... ضروری است. ثانیاً حکمرانی از طریق فیلترینگ، به دلایل مختلف پایدار نخواهد بود؛ چراکه علاوه بر استفاده از نسخه‌های روزآمد فیلترشکن، با توسعه فناوری‌های فیلترگریز همچون اینترنت ماهواره‌ای عملاً سازوکار فیلترینگ دیگر پاسخگو نخواهد بود؛ کمالینکه هم اکنون نیز استفاده از اینترنت استارلینک در تهران امکان‌پذیر است؛ بنابراین راه‌حل، تسهیل و حمایت از جابجایی اموال و روابط کاربران از زیست‌بوم شکل‌گرفته در اینستاگرام به شبکه‌های جایگزین است و در این صورت است که اگر زیست‌بوم جایگزین شکل بگیرد، حتی با توسعه فیلترشکن‌ها، اقبال کمتری به فیلترگریزی و رجوع به اینستاگرام خواهد بود. پیمایش اخیر ایسپا نشان می‌دهد حدود ۴۶ درصد از مردم تصور می‌کنند محدودیت‌های جاری موقتی است و از این‌رو تصمیمی برای مهاجرت ندارند؛ به همین سبب ضروری است تا این دوره ۶ ماهه و فیلتر دائمی پس از آن به‌صورت رسمی اعلام شود.

۶- موافق بازگشایی پیام‌رسان واتس‌آپ هستیم؛ زیرا علاوه بر تهدید فوق‌الذکر در تکیه کامل بر پیام‌رسان‌های داخلی اولاً عمده کارکردهای پیام‌رسان، کارکردهای موجه و مشروعی است که برخی از آن در کشور جایگزین مناسب و فراگیری ندارد (مانند تماس تصویری، فراگیری جهانی و ...) و با توجه به نیاز مردم، احتمال رجوع به فیلترشکن‌ها و ناکارآمدی فیلترینگ

هست. ثانیاً واتس‌آپ با حدود ۹۵.۱ درصد کاربر فعال ماهانه، فراگیرترین خدمت در کشور است که بسته‌شدن آن سطح نارضایتی زیادی به دنبال خواهد داشت این در حالی است که مشکلات و هزینه‌های باز بودن آن چندان قابل توجه نیست. ثالثاً فناوری پیام‌رسان، بسیار دشوارتر از شبکه اجتماعی است و علی‌رغم توسعه‌های داخلی، فاصله عملیاتی پیام‌رسان‌های داخلی با خارجی بسیار زیاد است و احتمال شکست فناورانه، زمان فشار زیاد مهاجرت یک‌باره به پیام‌رسان‌های داخلی بسیار محتمل است. رابعاً قدرت کشور برای مذاکره با هر پیام‌رسان خارجی دیگر را بالا می‌برد. خامساً دستگاه امنیتی و اطلاعاتی ما بر ارتباطات واتس‌آپ اشراف اطلاعاتی نسبتاً خوبی دارد (ترافیک واتس‌آپ رمزنگاری دوطرفه دارد و اشراف دستگاه امنیتی از طریق دسترسی است) و با فراگیری آن میان کاربران، عملاً نیاز به مهاجرت مردم به مقصد جدید و به تبع آن هزینه‌های امنیتی جدید پیش نمی‌آید. سادساً به دلیل وابستگی و اقبال زیاد مردم به واتس‌آپ، بازگشایی آن منجر به جلوگیری از فراگیری بیشتر فیلترشکن‌ها در کشور می‌شود؛ فراگیری بیشتر فیلترشکن‌ها، داده‌های مبهم و امنیت اشراف را از بین می‌برد، اقشار مردم به‌ویژه جوانان را در معرض محتوای مهاجم جدید قرار می‌دهد و با فیلترگریزی، منجر به شکست خط‌مشی حاکمیت و ناکارآمدی می‌شود.

۷- بازگشایی مشروط یک پیام‌رسان خارجی دیگر را هم‌زمان با واتس‌آپ پیشنهاد می‌کنیم. اگرچه بین پیام‌رسان و شبکه اجتماعی تفاوت قائل هستیم و معتقدیم بسیاری از کارکردهای اجتماعی اینستاگرام ناشی از امکانات صفحه (page) و مکانیزم‌های دنبال‌کننده (follower) و دنبال شونده (following) است؛ اما برخی پیام‌رسان‌ها با اضافه نمودن کانال و سوپرگروه، تا حدودی کارکردهای یک شبکه اجتماعی را دارند و به دلیل اینکه سرعت گردش داده و زیست‌بوم سازی در آن‌ها بسیار پایین‌تر از شبکه اجتماعی است می‌تواند نسخه‌ای برای دوران گذار ج.ا.ایران تا زمان طراحی الگوی مفهومی خود از شبکه‌های اجتماعی باشد. از این رو بازگشایی مشروط یک پیام‌رسان خارجی دیگر اولاً می‌تواند تا حدودی برخی از کارکردهای موجه اینستاگرام را جبران نماید، ثانیاً همراه با توافق و دسترسی موردنیاز نهادهای امنیتی و قضایی باشد. ثالثاً تکیه صرف روی یک پیام‌رسان خارجی (واتس‌آپ)، آسیب‌پذیری کشور را بالا می‌برد و فعال‌بودن یک پیام‌رسان خارجی دیگر منجر به توزیع وابستگی می‌شود. رابعاً با باز بودن واتس‌آپ و یک پیام‌رسان خارجی، مسئله یأس جامعه نخبگانی ناشی از فیلتر همه پلتفرم‌های خارجی و به دنبال آن احساس منزوی شدن تا حدود زیادی مرتفع می‌گردد.

۸- این پیشنهاد را از نظر سیاسی مؤید جریان انقلاب اسلامی می‌دانیم چراکه، اولاً با نگاهی توأمان از فرصت و تهدید، ابعاد بیشتری از مسئله را پوشش داده و با تبدیل تهدید به فرصت، موجب ارتقای سرمایه اجتماعی نظام می‌شود؛ ثانیاً کشور را از خطر شکل‌گیری دوقطبی جدید حول آزادی اینترنت به‌ویژه در انتخابات بعدی می‌رهاند؛ ثالثاً موازنه اقتصاد سیاسی کشور در فضای مجازی تغییر عمده‌ای نخواهد کرد رابعاً هزینه تبعیت از خط‌مشی‌های حاکمیت را کاهش داده و خطر ناکارآمدی تصمیم نظام را حداقل می‌کند؛ زیرا با توجه به توسعه فناوری‌های فیلترشکن و فیلترگریزی، احتمال ناکارآمدی فیلترینگ بسیار زیاد است.

۱۴۰۱/۰۸/۲۲

هسته سپهرا (خط‌مشی فضای مجازی)

مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام